



مقطع تحصیلی: کاردانی ■ کارشناسی □ رشته: مترجمی زبان ترم: اول..... سال تحصیلی: 1398-1399
 نام درس: اصول و روش ترجمه پایه..... نام و نام خانوادگی مدرس: میترا آریا.....
 آدرس email مدرس: ARIA875@YAHOO.COM..... تلفن همراه مدرس: BLANK-..

جزوه درس: اصول و روش ترجمه پایه..... مربوط به هفته : ■ چهارم
 text: ■ دارد □ ندارد voice: ■ دارد □ ندارد power point: ■ دارد □ ندارد
 تلفن همراه مدیر گروه : BLANK.....

با سلام و وقت بخیر حضور دانشجویان عزیز , ادامه ی مطالب از صفحه ی 6 کتاب را در این جلسه می خوانیم

صفحه ی 6

معنای اولیه و معنای ثانویه :

هر کلمه معنایی مختلفی می تواند داشته باشد. معنای اولیه ی یک کلمه همان معنایی است که :

- 1- استفاده ی متداولی در زبان دارد.
- 2- اولین معنایی است که یاد گرفته میشود.
- 3- وقتی خارج از یک جمله و به تنهایی بیاید به ذهن یک بومی زبان میرسد.
- 4- در دیکشنری اولین معنای آن لغت است.

دیگر معناها معنای ثانویه محسوب می شوند و از همان معنای اولیه مشتق میشوند. کلمات polysemic طیف گسترده ای در زبان دارند. اگر این معنایی بجای هم استفاده شوند در روند ترجمه اشکال وارد میشود.
 برای مثال کلمه ی date که همه میدانیم معنای تاریخ میدهد ولی اگر در متنی از نوعی خوراکی صحبت به میان آید، معنای ثانویه که خرما است مورد نظر است.
 مترجم تازه کار با اتکاء به دانش خود نمیتواند کل یک متن را ترجمه نماید. وی باید همواره با چک کردن کلیه ی معنایی یک لغت در دیکشنری به نزدیکترین معادل دست یابد. به کلام دیگر مترجم بدون فرهنگ لغت، نجاری بدون میخ و چکش است.

پس از کجا بفهمیم کدام معنای یک کلمه مورد نظر است؟

- 1- از متن غیر زبانی (محیطی که کلمه در آن واقع شده)
- 2- از روی متن دستوری (مقوله ی دستودی: اسم فعل یا صفت بودن کلمه)
- 3- از متن لغوی (دیگر کلمات موجود در متن)

حوزه ی ارجاع :

هر کلمه میتواند در هر زبان حوزه ی معنایی خاص خود را داشته باشد و به معنای ویژه ای ارجاع داشته باشد.

- 1- کلمات غیر مرتبط: دو کلمه ای که ممکن است تشابه ظاهری با هم داشته باشند اما به هیچ عنوان در حوزه ی معنایی یکدیگر نیستند.



مثال های ص 7 را ببینید:

کلمه ای که مترجم به اشتباه متوجه شده	کلمه ی اصلی	و اینگونه ترجمه شده
Ready	Already	آمادگی داشتن
Plan	Planet	طرح
Fight	Flight	جنگ
Pollution	Population	آلودگی
extension	tension	انبساط

2- تناظر یک به یک : یک کلمه در زبان مبدا معادلی در زبان مقصد دارد که دقیقا معادل آن است. بعنوان مثال **موز** در فارسی دقیقا **banana** در انگلیسی است. موز معنای دیگری ندارد. این کلمات ترجمه را به کاری آسان تبدیل می کنند ولی متاسفانه تعداد آنها در زبان ها بسیار کم است.

3- شمول معنایی : حوزه ی معنایی یک کلمه در زبان مبدا گسترده تر از حوزه ی معنایی معادل آن کلمه در زبان مقصد است. مثلا کلمه ی **niece** در فارسی شش معادل دارد و این ترجمه ی دقیق را تا حدی مشکل می کند مگر آنکه جملات بعدی در متن بتوانند به ما کمک کنند که کدام معادل صحیح تر است.

4- همپوشی معنایی : در کلمات زبان مبدا و زبان مقصد اشتراکات معنایی وجود دارد. یعنی ممکن است یک کلمه در یک متن معادل کلمه ای دیگر باشد اما در متن دیگری این معادل بکار نیاید. در مثال کتاب کلمه ی میدان را داریم که در برخی متون معادل **field** است اما در متنی دیگر معادل **square** میشود و

تکلیف :

تمرین های صفحه ی 9 انجام شود.

← تمرین آخر را برای اینجانب ایمیل نمایید.

با آرزوی سلامتی و دیدار شما عزیزان
😊

-آریا

